جزئیات فوت فرامرز جاویدزاد در زندان

اداره‌کل زندان‌های استان تهران پس از انتشار خبری با عنوان «فوت زندانی فرامرز جاویدزاد به دلیل عدم ارائه خدمات درمانی در ندامتگاه اوین» در برخی رسانه‌های معاند، توضیحاتی ارائه کرد.

در این اطلاعیه آمده؛ زندانی فرامرز جاویدزاد به اتهام مشارکت در انتقال مال غیر، مشارکت در تشکیل شبکه جعل و کلاهبرداری، انتقال سه فقره مال غیر در حال تحمل کیفر در ندامتگاه اوین بود. باوجود این‌که در مطلب کذب منتشرشده عنوان شده عدم اعزام و رسیدگی پزشکی باعث فوت زندانی شده است، نامبرده طی مدت حضور در زندان به دلیل سابقه بیماری در دستگاه گوارش پنج نوبت به مراکز درمانی خارج از زندان اعزام شده است.

همچنین براساس اطلاعات موجود در اسناد و پرونده پزشکی، زندانی یک نوبت در بیمارستان مورد عمل جراحی قرار گرفته که با اصرار و رضایت شخصی از بیمارستان ترخیص شده بود.

این زندانی روز اول مهر و پس از وخامت حال بلافاصله به بهداری منتقل و عملیات CPR با حضور پزشک و پرستار و عوامل اورژانس ۱۱۵ انجام شده است که با وجود تمام تلاش‌های صورت‌گرفته این زندانی فوت کرد.



دستمزد ۲ میلیاردی برای کشتن مدیر بانک



معصومه ملکی
گروه حوادث

ماموران به بازبینی فیلم دوربین‌های مداربسته اطراف محل خانه مقتول پرداختند و تصاویری یافتند که نشان می‌داد دختر مقتول در ساختمان را بازگذاشته و بعد دو مرد لاغراندام نقابدار وارد ساختمان شده، ساعاتی بعد آنجا را ترک کرده و رفته‌اند. با بررسی بیشتر تصاویر، ماموران متوجه حضور مردی به نام یاشار شدند که با همسر اول مقتول ازدواج کرده بود. این مرد همراه دختر ۱۷ ساله و همسر سابق مقتول بازداشت شدند اما ادعا کردند قاتلان از سوی همسر دوم مقتول اجیر شده‌اند.

تحقیقات از متهمان ادامه داشت تا این‌که مادر و دختر اعتراف کردند به خاطر آزار و اذیت‌های مرد میانسال، دو نفر را اجیر کردند تا او را کتک بزنند اما آنها مرتکب قتل شدند.

قاتلان اجاره‌ای تحت تعقب بودند که روز یکشنبه، دوم مهر امسال در کرج بازداشت و دیروز برای تحقیقات به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شدند. فرید ۲۶ ساله، یکی از متهمان در اظهاراتش گفت: راننده تاکسی اینترنتی‌ام و می‌خواستم تا چند روز دیگر نامزد کنم که بازداشت شدم. دو ماه قبل خودروی تیبایم را برای فروش در سایت آگهی کردم که با یاشار آشنا شدم.

اما معامله‌مان نشد. وقتی فهمیدم در کار خرید و فروش است از او خواستم برای فروش گردنبند ۹۰۰ گرمی که در محل حفاری در برغان پیدا کرده‌ام، کمکم کند. گردنبند را از من گرفت اما پولی نداد. حالا هم به دروغ پای مرا وسط کشیده‌اند تا اعدام شوم و نتوانم حقم را از او بگیرم.

دومین متهم به نام محسن اما در تحقیقات گفت: نقاش ساختمان هستم. فرید دروغ می‌گوید و ماجرای گردنبند واقعیت ندارد. فردی یاشار را به ما معرفی کرد و گفت اگر مزاحم خانواده او را کتک بزنیم، دو میلیارد تومان به ما می‌دهد. با آنها قرار گذاشتیم که دختر مقتول گفت پدرش او را اذیت می‌کند و اگر بمیرد ارثیه زیادی نصیبش می‌شود، ما را قصاص نمی‌کند و فقط به او دیه می‌دهیم. روز حادثه همسر سابق مقتول برای ما تاکسی اینترنتی گرفت تا به محل جنایت برویم. وقتی وارد خانه شدیم، فرید با مدیر بانک درگیر شد و او را با ضربه‌های چاقو کشت. با لباس‌های مقتول خون ریخته‌شده در اتاق را تمیز کردیم و گوشی او را برداشته، متواری شدیم. دستمزدی نصیب‌مان نشد و بازداشت‌مان کردند.

محمدمهدی براعه، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: تحقیقات از دو متهم پرونده همچنان در پلیس آگاهی ادامه دارد.

زنی با همدستی دختر و همسر دومش، دو مرد را برای کشتن شوهر اولش اجیر کرد. قرار بود برای ارتکاب این جنایت، دستمزد دو میلیاردی بگیرند اما قبل از گرفتن پول دستگیر شدند. به گزارش خبرنگار جام‌جم، مدیر یکی از شعبات بانکی دولتی در غرب تهران روز چهاردهم شهریور امسال به طرز مشکوکی ناپدید شد که با شکایت خانواده‌اش تحقیقات پلیس در این باره آغاز شد. ماموران در نخستین گام راهی خانه مدیر بانک شدند که وسایل خانه به‌هم ریخته بود. همچنین لباس‌های خونینی در آن افتاده بود. در ادامه جسد این مرد را در اتاق خواب در حالی یافتند که با ۱۸ ضربه چاقو به قتل رسیده بود. گوشی تلفن همراه مقتول هم به سرقت رفته بود.

با گزارش قتل او به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی و دستور وی، تحقیقات ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران آغاز شد. در تحقیقات از همسایه‌ها، معلوم شد که او سال‌ها قبل همسر اولش را طلاق داده و با دخترش زندگی می‌کرده است. مرد میانسال یک سال قبل با زن دیگری ازدواج کرده بود اما بعد از شش ماه با این زن دچار اختلاف شده و او خانه را ترک کرده بود.

محکمه

عامل قتل پسر افغان در جلسه دادگاه:

قصد گوشمالی اغفالگر خواهرم را داشتم اما مُرد!



پسر جوان که اغفالگر خواهرش را با کش خفه کرده بود، در دادگاه مدعی شد فقط قصد گوشمالی این مرد را داشته و قتلش ناخواسته رخ داده است. اولیای دم مقتول که تبعه افغانستان هستند درخواست قصاص کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از شامگاه ۲۱ تیر سال گذشته و با کشف جسد جوان تبعه افغانستان در جنوب تهران آغاز شد. آن‌طور که شاهدان به ماموران گفتند، مقتول سرنشین خودروی تیبا و در میان بزرگراه بعثت خود را از ماشین به بیرون پرت کرده بود. بررسی جسد مقتول نشان داد، دست و پایش با طناب بسته شده و کشی به دور گردنش گره خورده است.

با مشخصاتی که شاهدان از خودروی تیبا دادند، ماموران هویت مالک آن را به نام سعید شناسایی کردند. سعید پس از انتقال به پلیس آگاهی تهران به قتل اعتراف کرد و گفت: «مقتول به نام فرزین خواهرم را فریب داده و از شهرمان در استان اردبیل به تهران کشانده بود. روز حادثه او را در حوالی پایانه جنوب یافتم و همراه برادر و پسردایی‌ام، فرزین را سوار ماشین کردیم و قصد داشتیم او را تحویل پلیس دهیم اما تقلا کرد و کش دور گردنش گره خورد و خفه شد.»

در ادامه دو متهم دیگر هم دستگیر شدند و پرونده با صدور کیفرخواست برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در این جلسه وکیل اولیای دم گفت: «خانواده مقتول در افغانستان هستند و نمی‌توانند در دادگاه حاضر شوند به همین علت به من وکالت دادند از طرف آنها درخواست قصاص کنم.»

سپس سعید در جایگاه ایستاد و گفت: «مقتول خواهرم را فریب داده و به تهران کشانده و در یک تعمیرگاه به او تجاوز کرده بود. بعد از چند روز هم قصد داشت او را در حوالی پایانه جنوب رها کند که پیدای‌شان کردیم. فرزین حتی هنگام رها کردن خواهرم به طلاهای او هم رحم نکرد. قصد داشتیم او را تحویل پلیس بدهیم اما ماموران او را تحویل نمی‌گرفتند. دست و پایش را بستیم و برای این‌که تقلا نکند، کش را دور گردنش گره زدیم. قصد کشتن او را نداشتیم اما تقلایش باعث مرگش شد.

در ادامه دو متهم دیگر هم منکر اتهام خود شده و گفتند؛ آدم‌ربایی در کار نبوده و فقط می‌خواستند او را تحویل پلیس دهند. حتی حکم جلبش هم صادر شده بود. با طولانی شدن جلسه دادگاه، ادامه رسیدگی به جلسه بعد موکول شد تا انگیزه اصلی قتل مشخص شود. با بررسی نواقص پرونده، سعید برای دومین بار از خود دفاع کرد. در این جلسه وکیل اولیای دم دوباره درخواست قصاص را مطرح کرد و گفت: « اولیای دم فقط قصاص می‌خواهند و حاضر به بخشش نیستند.»

سعید در جایگاه قرار گرفت و گفت: «فرزین با خواهرم در فضای مجازی آشنا شده و او را فریب داده بود. فرزین خودش را اهل کردستان معرفی کرده و دو ماه خواهرم را به کردستان برده بود. در این مدت خواهرم را زندانی کرده و آزار می‌داد. بعد از دو ماه فرزین با مادرم تماس گرفت و گفت می‌خواهد خواهرم را به خانه برگرداند و حالا او را به تهران آورده است. من همراه برادر و پسردایی‌ام برای کار به حوالی تهران آمده بودیم که مادرم تماس گرفت و خواست به پایانه جنوب برویم و خواهرم را پیدا کنیم.

متهم ادامه داد: «وقتی به آنجا رسیدیم، فهمیدیم فرزین به زور طلاهای خواهرم را از او گرفته که به همین دلیل تصمیم گرفتیم او را گوشمالی دهیم. من دست و پایش را بستم و یک کش دور گردنش انداختم. او تقلا کرد خود را از ماشین به بیرون پرت کند. وقتی خودش را به بیرون پرت کرد، فکر کردیم زنده است و به شهرمان برگشتیم. اگر قصد قتل داشتم او را با چاقو می‌زدم. فقط می‌خواستم دزد ناموس را تحویل پلیس بدهم.

رئیس دادگاه: وقتی دست و پا و گلوی او را بستی، چطور احتمال نمی‌دادی کشته شود؟

سعید: فکر نمی‌کردم کش را محکم بسته‌ام و باعث مرگ او شود.

متهم در آخرین دفاع خود گفت:« قصد قتل نداشتم و مرگ او ناخواسته رخ داد.»

پس از آخرین دفاع متهم به قتل، قضات وارد شور شده تا حکم پرونده را صادر کنند.

عدلیه

اختلاف مالی، انگیزه ربودن دختر تتوکار

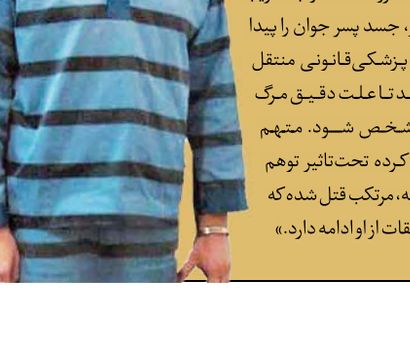
دختر جوان که با دختر تتوکار اختلاف داشت با کمک سه مرد دیگر او را ربود و سه ساعت به گروگان گرفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل شهریور امسال دختری با حضور در شعبه هشتم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از یک دختر جوان و سه مرد که همدستانش بودند به اتهام آدم‌ربایی شکایت کرد و گفت: تتوکار هستم. چندی قبل دوستم به نام شیما سه میلیون تومان از من قرض گرفت و دیگر آن را نپرداخت تا این‌که روز گذشته به بهانه پس دادن بدهی‌اش همراه سه مرد غریبه به خانه‌ام آمد. آنها مرا ربودند و با انداختن در خودروی پژو با خود بردند. سه ساعت گروگان‌شان بودم و پس از آن که برگه‌های سفید امضا از من گرفتند، کتکم زدند و بعد مرا در خیابان بیرون انداختند.

پس از این شکایت تحقیقات پلیسی برای دستگیری آدم‌رباها آغاز شد تا این‌که دختر جوان و یکی از آدم‌رباها دو روز پیش بازداشت شدند. آنها دیروز برای ادامه تحقیقات به شعبه هشتم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شدند.

شیما در جریان تحقیقات گفت: «سال‌ها قبل من از طریق یکی از دوستانم با شاکی آشنا شدم. حتی کلید خانه‌ام را داشت و به آنجا تردد می‌کرد. یک روز در غیابم به خانه‌ام آمد و مبلمان و ۱۰ میلیون تومان پولی که در خانه داشتم را به سرقت برد. اموالم را که پس نداد از او شکایت کردم. پیگیر پرونده‌ام بودم تا این‌که موضوع را به شهرام پسر مورد علاقه‌ام گفتم. او از من خواست به خانه شاکی برویم تا او را بترساند و اموال و پولم را پس بگیرد. طبق نقشه عمل کردیم و زن جوان را ربودیم. دوستان شهرام کتکش زدند اما حاضر نبود اموال را پس دهد. از او برگه سفید امضا نگرفتیم و دروغ می‌گوید.»

این در حالی بود که متهم دیگر هم به ربودن شاکی اعتراف کرد. تقویان، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف این دو متهم، تحقیقات برای دستگیری دو متهم فراری ادامه دارد.



نظمیه

رازگشایی از ۲ جنایت شیشه‌ای و ناموسی

محمد غمخوار
دبیر گروه حوادث

راز قتل دختر و پسر جوان که قربانی دو جنایت شده بودند در جریان تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی البرز فاش شد. در نخستین جنایت، پسر افغان با انگیزه ناموسی خواهرش را کشت و جسدش را به آتش کشید. در دومین قتل هم، مردی تحت‌تاثیر توهم مصرف شیشه، پسر جوانی را با ضربه چوب کشت.

مرداد امسال مرد چوپانی در حوالی شهر چهارباغ استان البرز با دیدن جسد سوخته‌ای، وحشتزده با پلیس تماس گرفت و ماجرای کشف جسد را به ماموران گزارش کرد. در ادامه تیمی از کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی و بازپرس ویژه قتل در محل کشف جسد حاضر شدند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد، مقتول دختر جوانی است که قاتل بعد از خفه کردن او، جسدش را به آتش کشیده است.

چند روزی از قتل می‌گذشت، به همین خاطر پرونده افراد ناپدیدشده در این شهر را بررسی کردند. یکی از پرونده‌ها مربوط به ناپدید شدن دختر تبعه افغان بود که خانواده‌اش ناپدید شدن او را گزارش کرده بودند. آن‌طور که خانواده‌اش اعلام کرده بودند، دختر جوان به نام نسیبه، اوایل مرداد برای خرید از خانه بیرون رفته و دیگر بازنگشته بود. با طولانی شدن غیبتش، شکایتی را در کلانتری محل مطرح کرده بودند. خانواده نسیبه در پزشکی قانونی و کردند هویت دخترشان را شناسایی کنند. با افشای هویت مقتول، روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و کارآگاهان با تحقیقات محلی دریافتند نسیبه و برادرش با هم اختلاف و درگیری داشته‌اند. ماموران سراغ برادر مقتول رفتند اما پسر جوان به نام نعمت، همزمان با کشف جسد ناپدید شده بود که ردزنی‌ها نشان داد او به افغانستان گریخته است. موضوع به پلیس اینترپل اعلام شد و با همکاری ریش‌سفیدان طایفه‌شان، نعمت در افغانستان شناسایی و در تحقیقات مدعی شد؛ مدتی بود به رفتار خواهرم شک کرده بودم و چند بار از او خواستم رفتارش را درست کند اما گوش نمی‌کرد و آبروی ما را در محله برده بود. برای حفظ آبروی‌مان تصمیم به قتل او گرفتم. یک روز او را به بهانه گردش به حاشیه شهر بردم و خفه کردم. بعد هم جسدش را به آتش کشیدم.

همزمان با راز‌گشایی از این جنایت، خانواده دختر جوان از خون او گذشته و پسرشان را بخشیدند.

جنایت شیشه‌ای

راز دومین جنایت با گزارش ناپدید شدن پسر ۲۰ ساله‌ای در اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی البرز فاش شد. خانواده این جوان در شکایت خود گفتند: ما اهل شهر رزن همدان هستیم. پسرمان اواخر مرداد برای کار راهی کرج شد. قرار بود در شرکتی استخدام شود. وقتی به کرج رسید با او در تماس بودیم. یک روز بعد از این‌که به کرج رسید، ناپدید شد و در این مدت تلفن همراهش خاموش است.

پس از این شکایت ماموران تحقیقات خود را آغاز کرده و با شناسایی افرادی که با پسر جوان در ارتباط بودند، دریافتند او در دام یک شرکت هرمی گرفتار شده و برای حضور در یکی از شرکت‌های هرمی به کرج رفته بود. احتمال این‌که او توسط اعضای این شرکت به گروگان گرفته شده باشد، مطرح اما در ادامه با تحقیقات در این شاخه، رد شد.

پس از گذشت یک ماه از اعلام فقدانی این پسر، ماموران دریافتند او آخرین بار در پارک فاتح کرج با مرد جوانی دیده شده است. مرد ۳۵ ساله شناسایی و دستگیر شد که بعد از انتقال به پلیس آگاهی، لب به اعتراف گشود و گفت: «یک روز در باغ فاتح نشسته بودم که متوجه پسر جوان شده، به سمت او رفتم و صحبت با او را آغاز کردم. فهمیدم برای کار به کرج آمده است. به او گفتم خانه موروثی پدربزرگم خالی از سکنه هست و می‌تواند آنجا بخوابد. به من اعتماد کرد و به خانه قدیمی رفتیم. شب شیشه کشیدم و خوابیدیم. نیمه‌شب حس کردم قصد کشتن مرا دارد و به همین خاطر با چوب به او حمله کردم، چند ضربه به بدنش زدم که مرد. جسدش را به زیرزمین ساختمان بردم و داخل اتاقی انداختم، بعد مقابل در را دیوار کشیدم. تلفن همراه و پول او را نیز در میان دیوار مخفی کردم.»

سرهنگ حکمت‌ا... شجاعی، رئیس پلیس آگاهی البرز در این‌باره به جام‌جم گفت: «پس از اعتراف متهم تیمی از ماموران راهی این خانه متروکه شده و با تخریب دیوار، جسد پسر جوان را پیدا و به پزشکی‌قانونی منتقل کردند تا علت دقیق مرگ او مشخص شود. متهم ادعا کرده تحت‌تاثیر توهم شیشه، مرتکب قتل شده که تحقیقات از او ادامه دارد.»

تلنگر

ناگفته‌های قاتل آتش‌افروز افغان

عامل آتش‌افروز در منزلی واقع در حوالی بازار تهران، جزئیات جنایت آتشین خود را تشریح کرد. هفت نفر در این آتش‌سوزی جان باختند و دو نفر دیگر در بیمارستان بستری هستند. به گزارش خبرنگار جام‌جم، بصیر ۱۸ ساله صبح شنبه در پی انتقامگیری از هموطنانش به خانه دوطبقه قدیمی در محله طرخانی در نزدیکی بازارچه قوام‌الدوله رفت و با آتش زدن آنجا باعث مرگ هفت نفر و مصدومیت دو نفر دیگر شد. متهم دیروز برای ادامه تحقیقات به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و گفت: به قصد انتقام این ماجرای تلخ را رقم زدم؛ چون من را به آن خانه راه نمی‌دادند، این آتش‌سوزی را رقم زدم و فقط خواستم آنها را بترسانم و قصد قتل نداشتم. این در حالی بود که متهم پیش از آتش‌افروزی ادعا کرده بود در این خانه مورد تعرض قرار گرفته است. محمدمهدی براعه، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: تحقیقات از این متهم ادامه دارد و قرار شد خانواده قربانیان نیز شناسایی و اجساد تحویل آنها شوند.

گفت‌وگو با متهم

در حاشیه جلسه بازپرسی، فرصتی دست داد تا خبرنگاران با بصیر درباره انگیزه‌اش از قتل و نحوه آتش زدن خانه گفت‌وگو کنند. بصیر ۱۸ ساله که دستانش در این آتش‌سوزی سوخته و باندپیچی شده، خود را نفرین می‌کند که چرا با یک تصمیم اشتباه، جان افرادی را گرفته است.



از زندگی‌ات بگو؟

تا کلاس چهارم درس خواندم. چند سال به‌عنوان مامور در ارتش افغانستان بودم و حتی با طالبان هم جنگیدم. با روی کار آمدن طالبان دستور اعدامم صادر شد. فرار کردم و یک سال قبل با پرداخت پول به قاچاق‌بران، همراه ۱۵ فراری دیگر از مسیر کوهستان به تهران آمدیم. برادرم دو سال قبل از من به تهران آمده و در اغذیه‌فروشی کار می‌کرد. من هم به مغازه اغذیه‌فروشی دیگری برای کار رفتم. برای اسکانم به خانه‌ای که آتش زدم می‌رفتم و اجاره می‌دادم. سه نفر از ساکنان آنجا با اقوامم در افغانستان درگیر شده و آنها را کتک زده بودند. وقتی فهمیدند آنها را می‌شناسم، فکر کردند به آنجا آمدم تا جاسوسی‌شان را بکنم. با من دعوا کردند و مرا از آنجا بیرون انداختند. از سویی باعث اخراج برادرم از محل کارش شدند.

بعد چه کردی؟

به‌دنبال انتقام بودم تا خانه را به آتش بکشم و آنها را بترسانم که مثل من بی‌سرپناه شوند. یک هفته قبل از حادثه به یک جایگاه سوخت در حوالی محله وحدت اسلامی رفتم و یک گالن بنزین خریدم. صبح شنبه اول مهر از روی دیوار به داخل خانه پریدم. گالن بنزین را آنجا خالی کرده و فندک زدم. دستان خودم هم سوخت و در بیمارستان دستگیر شدم.

بازنده قمار زندگی

مرد جوان بعد از باخت در قمارخانه، با برنده درگیر و با ضربه چاقوی او کشته شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۵ صبح دوشنبه سوم مهر امسال یکی از ماموران کلانتری خانی‌آبادنو در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان قتل مردی ۴۰ ساله قرارداد. با دستور قضایی، تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا به بیمارستان اعزام شدند.

آنها در تحقیقات اولیه متوجه شدند که مرد ۴۰ ساله در دعوای خیابانی و براثر ضربه چاقو که به کتفش اصابت کرده، به قتل رسیده است.

ماموران با مشخص شدن این موضوع به محل درگیری خونین اعزام شدند. آنها با تحقیقات محلی متوجه شدند مقتول و دوستانش به یک قمارخانه زیرزمینی می‌رفتند و قمار می‌کردند. شب قبل نیز او به قمارخانه رفته و باخته بود اما چون پولی برای پرداخت نداشته با برنده درگیر شده بود. این درگیری به بیرون از قمارخانه کشیده شده و این قتل رقم خورده است.

محمدحسین زارعی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با مشخص شدن هویت قاتل فراری، تحقیقات پلیس جنایی برای راز‌گشایی از این پرونده و دستگیری قاتل و دو همدست فراری‌اش ادامه دارد.